

نقش مذهب در پیشگیری از اعتیاد

شواهد قابل ملاحظه ای تأییدکننده این مطلب اند که داشتن اعتقادات مذهبی نقش مهمی در کاهش سوء مصرف مواد دارد. افرادی که اصول مذهبی را پذیرفته اند و نسبت به آن احساس پیوستگی می کنند، کمتر از افرادی که مذهبی نیستند، موادمخدر مصرف می کنند. صرف نظر از اینکه فرد به چه مذهبی گرایش دارد، می توان گفت فردی که به طور منظم اعمال مذهبی را انجام می دهد. احتمال کمتری دارد که مواد مخدر مصرف کند تا فردی که به انجام این اعمال تمایلی ندارد.

نتایج تحقیقات نشان می دهند، افرادی که پیرو مذهبی هستند که به پرهیز از مصرف مواد مخدر تویه می کند، بسیار کمتر از پیروان مذاهبی که مصرف الکل و سیگار را منع نمی کنند، به مصرف مواد مزبور روی می آورند. اصولاً مذهب در سه سطح می تواند مصرف مواد مخدر را تحت تاثیر قرار دهد:

اولین تاثیر مذهب شامل فعالیت های پیشگیرانه ای است که برای تحریم شروع سوء مصرف مواد به کار گرفته می شود و می تواند دربر گیرنده آموزش مستقیم مردم درباره منع مصرف مواد مخدر و همچنین هدفمند کردن زندگی باشد که در این صورت مصرف مواد مخدر عملی پسندیده نیست.

دومین تاثیر مذهب مداخله در جلوگیری از گسترش اعتیاد در افرادی است که مصرف آزمایشی و گاه به گاه موادمخدر را شروع کرده اند.

سومین تاثیر مذهب شامل برنامه هایی است که برای کمک به افراد معتاد در جهت ترک و همچنین پرهیز از عود مجدد در آنان فراهم شده است.

مروری بر تحقیقات موپود

تحقیقات انجام گرفته درخصوص مذهب و رابطه آن با مصرف مواد به گستردگی مطالعات روی سایر ابعاد اجتماعی مرتبط با موادمخدر نبوده است. ولی با این حال تحقیقاتی وجود دارند که نشانگر ارتباط بین پیروی از مذهب با سوء مصرف مواد را نشان می دهند که به اختصار به برخی از این مطالعات اشاره خواهیم نمود.

مطالعه روی نوجوانان معتاد نشان داده که پایبندی به مذهب ارتباط منفی یا مصرف الکل و حشیش داشته است.

کندل (۱۹۸۰) و بورکت (۱۹۸۰)، مشاهده کردند که عقاید مخالف با نوشیدن مشروبات الکلی که در برخی از گروه های مذهبی آموزش داده می شود باعث منع مصرف آن ها بین نوجوانان شده است.

در تحقیقی که روی ۳۰۰۰ نوجوان توسط گوچران (۱۹۹۱) انجام گرفت، مشخص شد که مذهبی بودن با تکرار سوء مصرف مواد ارتباط منفی دارد.

هاداوی (۱۹۸۴) دریافت که مذهب تاثیر مهمی در منع مصرف الکل و سوء مصرف مواد دارد.

آموتنگ و باهر (۱۹۸۴) مشاهده کردند، بین مذهبی بودن و عدم مصرف مواد مخدر بین پیروان مذهبی که پرهیز از مواد به آنان آموزش داده می شود، نسبت به مذهبی که این آموزش ها را نداشته اند، ارتباط قوی وجود دارد.

لورچ و هنگر (۱۹۸۵) حدود ۱۴۰۰۰ جوان را مورد مطالعه قرار دادند و دریافتند افرادی که نسبت به اصول مذهبی پایبندی و تعصب دارند، کمتر به اعتیاد مبتلا هستند.

تحقیقی که توسط اسمارت و آلداف (۱۹۸۵) در انگلستان صورت پذیرفته نشان می دهد، تمایل به شرکت در مراسم مذهبی ارتباط منفی با سوء مصرف مواد دارد.

یکی از نهادهای اجتماعی مهمی که به وسیله بسیاری از نظریه پردازان کنترل اجتماعی نادیده گرفته شده، مذهب است.

توصیف نظری

نتایج تحقیقات ذکر شده نشان می دهند که در مقیاس گروهی، داشتن اتکای مذهبی می تواند با کاهش مصرف موادمخدر ارتباط داشته باشد. حال این سوال پیش می آید که چه سازوکارهایی در مذهب وجود دارند که باعث سوء مصرف مواد می شوند؟

در پاسخ به این سوال دو نظریه وجود دارد که می تواند به درک بهتر ما از تاثیر مذهب بر کاهش مصرف موادمخدر کمک کند.

این دو نظریه عبارتند از:

۱. نظریه کنترل اجتماعی

۲. نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه کنترل اجتماعی

نظریه پردازان نظریه کنترل اجتماعی بر این باورند که انسان ها ذاتا ضد اجتماعی و طبیعتا قابلیت ارتکاب جرائم را دارند. از آنجا که رفتار انحرافی پاسخی طبیعی در برابر قوانین است. بهتر است از واژه «همرنگی» به جای «انحراف» استفاده شود. هیرشی (۱۹۶۹) در رابطه با سوء مصرف مواد این گونه فرض کرده که مواد

مخدر در جامعه به راحتی قابل دسترسی است و این طبیعی است که مردم هم مصرف مواد را تجربه کنند. پس به جای اینکه سوال کنیم چرا مردم موادمخدر مصرف می کنند، باید بپرسیم که: «چرا بیشتر مردم موادمخدر مصرف نمی کنند؟»

هم رنگی در جامعه بستگی به التزامی دارد که بین افراد و جامعه به وجود می آید و آن ها را از شکستن قوانین باز می دارد. این التزام و قرارداد اجتماعی شامل چهار عنصر است: وابستگی، تعهد، پیروی و اعتقاد. نظریه کنترل اجتماعی پیش بینی می کند که اگر افراد در وابستگی، تعهد، پیروی و اعتقاد در سطح بالایی باشند، کمتر مستعد انحراف از هنجارهای اجتماعی، از جمله سوء مصرف مواد خواهند بود.

یکی از نهادهای اجتماعی مهمی که به وسیله بسیاری از نظریه پردازان کنترل اجتماعی نادیده گرفته شده، مذهب است. با توجه به این دیدگاه می توان اظهار داشت که پایبندی مذهبی فرد را به چند طریق از مصرف موادمخدر باز میدارد:

- افرادی که به مذهب وابستگی پیدا می کنند، به ناچار با افراد مذهبی ارتباط متقابل دارند و اگر موادمخدر مصرف کنند، مورد سرزنش و طرد آنان قرار می گیرند.

- مشارکت در فعالیت های مذهبی زمان کمی را برای تجربه موادمخدر برای فرد باقی می گذارد. همچنین، یک شبکه حمایتی فراهم می سازد که فرد را از موقعیت هایی که فرصت استفاده از مواد را پیش می آورد، جدا می سازد.

- تعهد نسبت به مذهب و اهداف آن به زندگی فرد معنی می دهد که در این صورت مصرف مواد مخدر دیگر جذابیتی ندارد.

- نظام اعتقادی اکثر مذاهب مخالف با سوء مصرف مواد است و آموزش های آنان تقویت کننده عقاید منفی در برابر مصرف موادمخدر است.

خلاصه کلام اینکه، مذهب مردم را در فعالیت های متداول درگیر می سازد و شبکه اجتماعی را پدید می آورد که مصرف مواد در آن غیرقابل پذیرش است.

نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه پردازان یادگیری اجتماعی معتقدند که هم رنگی امری طبیعی است و این سوال را مطرح می کنند که: چرا مردم قوانین را زیر پا می گذارند؟ و خود نیز پاسخ می دهند که بر پایه نظریه یادگیری اجتماعی، فرد یاد می گیرد که قانون شکن باشد؛ چرا که از طریق گروه های اولیه مثل خانواده و دوستان این اعمال را یاد گرفته است. بنابراین آن هایی که موادمخدر مصرف می کنند، تمایل دارند دوستانی داشته باشند که آن ها هم موادمخدر مصرف می کنند. آن ها از طریق این دوستان نگرش های خوشایند و شیوه های سوء مصرف مواد را به یاد می گیرند و حمایت های لازم را برای نگرش ها و رفتارهایشان دریافت می کنند.

آموزش های مذهبی غالباً ضد مصرف موادمخدر است و مذهب یک شبکه بین فردی را پی ریزی می کند که در آن سوء مصرف مواد عملی ناشایست، مضر و گناه آلود است.

بر پایه این نظریه اگر از طریق فعالیت های مذهبی، فرد یا شبکه ای از دوستان که مواد مصرف نمی کنند و نگرش هایشان هم، مصرف مواد مخدر را تحمل نمی کند، ارتباط پیدا کند، نگرش های ضد مصرف مواد مخدر در او یادگیری و تقویت می شود.

یکی از جنبه های بنیادین مذهب آموزش تشخیص صواب از ناصواب است و یکی از دلایل اعتیاد مردم، بی هدفی آنان است. نقش مهمی که مذهب در این فرایند دارد، هدفمند ساختن زندگی انسان ها به وسیله دوری از گروه های مخرب، کسب ارزش های سازنده و مشارکت آن در جامعه است.

نقش مهمی که مذهب در این فرایند دارد، هدفمند ساختن زندگی انسان ها به وسیله دوری از گروه های مخرب، کسب ارزش های سازنده و مشارکت آن در جامعه است.

مذهب، بهداشت روان و اعتیاد

یکی از شیوه هایی که مذهب به وسیله آن مصرف مواد را کاهش می دهد، پرورش جنبه های بهداشت روانی است. مذهب به زندگی فرد جهت می دهد و از او به هنگام فشارهای روانی روزمره حمایت می کند. بنابراین تأمین بهداشت روانی می تواند فرد را از مصرف تفریحی یا اعتیاد به موادمخدر باز دارد و از طرف دیگر باعث کاهش مشکلاتی مثل افسردگی، احساس از خودبیگانگی، تنهایی و عزت نفس پایین شود. چنین مشکلاتی فرد را مستعد سوءمصرف مواد می کنند.

- مذهب عامل کلیدی در کاهش مصرف مواد مخدر تلقی می شود و در برنامه پیشگیری از اعتیاد نباید نقش مذهب به فراموشی سپرده شود.

- آموزش های مذهبی در تعالی اسلام در مورد منع مصرف الکل و سوء مصرف مواد را باید از دوران کودکی از طریق شیوه های مناسبی در تمامی سطوح سنی به عنوان یک راهکار مداخله ای در امر مبارزه و پیشگیری از اعتیاد مورد توجه قرار داد.

- خانواده ها باید با به کارگیری روش های مناسب به پرورش اصول دینی و مذهبی در کودکان و نوجوانان خود پردازند و ارزش های سازنده اجتماعی را به آنان بیاموزند تا از آسیب پذیری آنان در برابر اعتیاد بکاهند.

منبع

- مجله پیشگیری نوین، دوره ۴، شماره ۳، زمستان ۹۳، ص ۱۳.